



دیدگاه

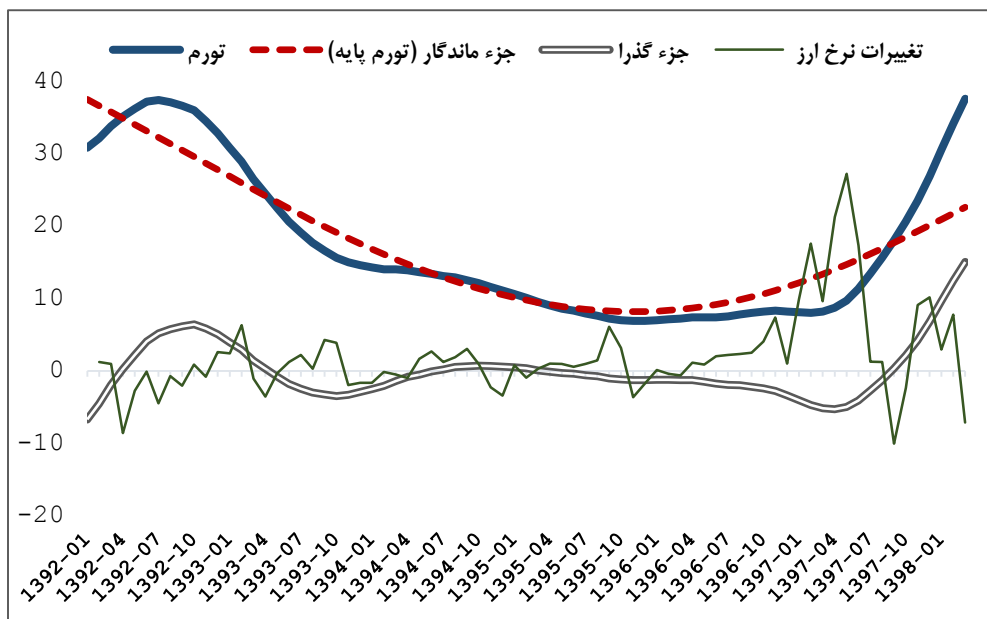
شماره: ۸۹۳	موضوع: ثبات متغیرهای کلان و آثار آن بر تنظیم بازار کالاهای اساسی کشور
تاریخ: ۱۳۹۸/۱۲/۱۲	تهیه کننده: سمیه نعمت‌اللهی

توضیح اجمالی:

۱- سیاست‌های تنظیم بازار مجموعه‌ای از مقررات، سیاست‌ها، اقدامات و استراتژی‌هایی است که به منظور ایجاد همگرایی در زنجیره ارزش کالا و خدمات در بازار و حمایت از تمامی عاملین آن اتخاذ و در راستای کاهش ریسک ناشی از نوسانات قیمت و مقدار با استفاده از ابزارهای سیاستی مناسب در حوزه تامین و مصرف اعمال می‌شود. این سیاست‌ها به شدت تحت تاثیر تحولات متغیرهای کلان اقتصادی قرار دارند، در این ارتباط به منظور بررسی برونداد اثر سیاست‌های کلان بر موفقیت و یا عدم موفقیت سیاست‌های تنظیم بازاری، تغییرات تورم می‌تواند به عنوان یک شاخص مهم مورد بررسی قرار گیرد. به طور کلی روند تورم به دو جزء تورم پایه (ماندگار) و تورم گذرا قابل تجزیه است. جزء ماندگار تورم (تورم پایه) می‌تواند به عنوان ابزاری جهت ارزیابی سیاست‌های کلان اقتصادی و جزء گذرای تورم نیز به عنوان ابزاری جهت ارزیابی سیاست‌های تنظیم بازار شناخته می‌شود. تغییرات تورم پایدار عمدتاً ناشی از اعمال سیاست‌های کلان همچون سیاست‌های پولی و مالی بوده و تا حد زیادی خارج از حیطه وظایف تنظیم بازاری در سطح بازار است در مقابل تورم گذرا بیشتر به سیاست‌های مرتبط با بازار بستگی دارد.

۲- مطابق نمودار (۱) سهم عمده تورم کل کشور مربوط به تورم پایه است و مقدار تورم گذرا تنها بعد از وقوع شوک‌های ارزی در سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۷ قابل توجه بود است.

نمودار ۱. روند نرخ تورم، تورم پایه و گذرا و تغییرات نرخ ارز



ماخذ: محاسبات محقق

۳- در دو سال ۱۳۹۲ و ۱۳۹۷ با توجه به وقوع جهش ارزی در سال قبل از آن، سهم تورم گذرا در کل تورم افزایش یافته و در فاصله این دو سال با توجه به ثبات در متغیرهای اقتصادی به ویژه نرخ ارز، تورم گذرا در حد صفر بوده است.

۴- از سال ۱۳۹۴ بر اساس مصوبات دولت، افزایش قیمت‌ها در کارگروه تنظیم بازار به ندرت بالاتر از ۱۰ درصد بوده که با توجه به ثبات در سایر متغیرها، نرخ تورم نیز به زیر ۱۰ درصد سوق داده شد. بر این اساس، می‌توان عنوان داشت در سال‌هایی که متغیر نرخ ارز روندی باثبات داشته است، سیاست‌های تنظیم بازاری توانسته تورم کل را نیز به سمت کاهش، سوق دهد. در این خصوص توجه به این نکته ضروری است که بخشی از جهش نرخ ارز خود ناشی از شکل‌گیری تورم از ناحیه فشار هزینه، تقاضا و همچنین محدودیت‌های ساختاری و عدم تعدیل آن طی سال‌ها رخ می‌دهد.

۵- علی‌رغم کاهش نرخ تورم تا سال ۱۳۹۶، جهش نرخ ارز در سال ۱۳۹۷ باعث شد حتی سیاست‌های متعدد تنظیم بازاری نتواند مانع از افزایش قیمت‌های بازاری در کالاهای مشمول قیمت‌گذاری شود به نحوی که به دفعات شکاف بین قیمت بازار و قیمت‌های دستوری افزایش



دیدگاه

یافت. این افزایش ها گاهاً منجر به چندین نوبت قیمت گذاری و افزایش قیمت دستوری برای برخی از کالاها با توجه به افزایش هزینه ها شده است.

۶- مطابق نمودار (۱) جهش های ارزی با یک وقفه حدود ۳ ماهه تاثیر جدی خود را بر بازار آغاز کرده و آثار آن تا تخلیه کامل بیشتر از یک سال به طور می انجامد. با وقوع جهش ارزی کارآمدی سیاست های تنظیم بازاری از جمله نرخ ارز ترجیحی و قیمت های مصوب برای کالاهای اساسی تا حدی کاهش یافته و تعدد مداخله دولت در بازار افزایش می یابد که خود می تواند زمینه ساز ایجاد رانت قابل توجه شود.

نکات کلیدی:

- ۱- سیاست های کلان به ویژه از منظر تغییرات نرخ ارز اثر جدی بر تورم کل و تورم گذرا (سیاست های مرتبط تنظیم بازاری) دارد.
- ۲- با توجه به آنکه تخلیه آثار هر شوک ارزی بر بازار کالاها و خدمات می تواند تا یک سال به طول انجامد موجب تعدد مداخلات دولت در بازار شده که این امر خود زمینه ساز ایجاد رانت خواهد بود.
- ۳- سیاست های تنظیم بازاری می تواند به کاهش تورم پایه کمک کند، با این حال بدون ثبات در متغیرهای کلان اقتصادی به ویژه نرخ ارز، سیاست های تنظیم بازاری به تنهایی نمی تواند موفقیت قابل توجهی در کنترل بازار به ویژه بر متغیر قیمت داشته باشد.
- ۴- باید توجه داشت در حال حاضر تنظیم بازار در کشور با سه چالش اصلی شامل عدم ثبات متغیرهای کلان اقتصادی، عدم تدوین و یا اجرای سیاست های بخشی و نقص ها نهادی و ساختاری در تنظیم بازار کشور روبه رو است. بنابراین به عنوان الزام اصلاح سیاست های پولی، مالی و ارزی و هماهنگی این سیاست ها با سیاست های تنظیم بازاری، تدوین و اجرای صحیح سیاست های بخشی و تجدید ساختار نهاد تنظیم بازاری باید در اولویت قرار گیرد.